

خوشه‌بندی اقلیمی بر مبنای پتانسیل نیاز سرمایی قابل دسترس برای گیاهان باغی در ایران

رضا نوروز ولاشدی^{۱*}، علی‌اکبر سبزی‌پرور^۲^۱ استادیار هواشناسی کشاورزی، گروه مهندسی آب، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری.^۲ استاد هواشناسی، گروه مهندسی آب، دانشگاه بوعلی سینا همدان.*نویسنده مسئول: r.norooz@sanru.ac.ir

چکیده

اقلیم یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در تعیین محل کشت و ترویج ارقام جدید باغبانی به شمار می‌آید. یکی از متغیرهای اقلیمی، نیاز سرمایی گیاهان خزان‌دار باغی است. چنانچه این نیاز در طول فصل رکود برطرف نشود، رشد و نمو گیاه با مشکل روبرو خواهد شد. در این تحقیق به بررسی پتانسیل نیاز سرمایی قابل دسترس در ایران پرداخته شده است. پس از بررسی‌های ابتدایی و کنترل کیفی و کمی داده‌ها، طول دوره آماری مورد استفاده در ۴۰ ایستگاه هواشناسی سینوپتیک به مدت ۴۵ سال مورد قبول بوده است. لازم به ذکر است، با توجه به کوتاه بودن طول دوره ثبت آمار هواشناسی در دیگر ایستگاه‌ها و همچنین عدم اعتماد به آمار با خلأ و ناهمگنی زیاد، از آن‌ها صرف‌نظر شد. نخست مقادیر نیاز سرمایی با توجه به آمار ثبت‌شده‌ی دمای هوا در ایستگاه‌های هواشناسی منتخب بر مبنای مدل ساده برآورد شد. سپس به روش خوشه‌بندی محدوده طبقات نیاز سرمایی قابل دسترس محاسبه و به روش وزن معکوس فاصله پهنه‌بندی شد. نتایج خوشه‌بندی اقلیمی نشان داد، نیاز سرمایی قابل دسترس به چهار خوشه C1 تا C4 تقسیم می‌شود، که بر مبنای تحلیل کمی نتایج پهنه‌بندی حدود ۱۸ درصد از مساحت کشور در خوشه C4، ۵۱ درصد در (C3) و ۳۲ درصد در (C2, C1) قرار گرفته است. خوشه C3 در سواحل شرقی استان مازندران، نواحی مرکزی و شرق کشور و بخش‌هایی از مرکز و دامنه‌های جنوبی البرز و قسمت‌های شرق رشته‌کوه زاگرس را شامل می‌شود که توانایی تأمین ۸۰۰ تا ۱۲۰۰ ساعت نیاز سرمایی را دارد.

کلمات کلیدی: مدل CH، هواشناسی، محیط کشت، نیاز سرمایی، پهنه‌بندی IDW، آگروکلیم، ایران.